Original Article Open Access



Child Rights Journal

2021; 3(11): 41-51

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

Challenges Surrounding the Right to Education in the Educational Evaluation of Children with Learning Disorders and Autism (A Case Study in Karaj)

Mahmoud Abbasi[1], Meysam Kalhornia Golkar[1*], Leila Shiravand Menjani[2]

1. Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
2. Department of Psychology, Payame Noor University, Buin Zahra Branch, Buin Zahra, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Educational assessment is done at the beginning of entering the school to determine the status and identify the educational needs and adapt the education courses in the normal or exceptional schools to the child's conditions. This program needs proper implementation to achieve its goals in the education system. The present study was carried out with the aim of investigating the problems and challenges in the process of educational assessment of children with learning disorders and those with autism, taking into account the requirements of the right to education.

Method: This research was carried out by using field investigations and recording evidence from the examination of a case sample in the process of educational evaluation, as well as using library documents and internet resources.

Results: Factors such as insufficient information, crowding of referrals, short assessment time, delay in processing, separation of the child from parents, lack of counseling and adequate explanation, lack of right to protest the assessment result, and inattention to the infrastructure and educational facilities in the region as a result of the assessment, are challenges in the educational assessment process which in relation to children with learning disorders (especially children with mild disorders and borderline intellectual functioning,, whose condition diagnosis and appropriate training course is more sensitive), can directly or indirectly affect the quality of fulfilling the right to education.

Conclusion: The problems in the educational assessment process can lead to the possibility of making incorrect decisions that are not in accordance with the existing conditions and facilities for children with learning disorders and children with autism. Considering the dimensions and requirements of children's right to education in domestic and international documents and the importance of receiving high-quality and effective education and protecting the child's interests, it seems necessary to eliminate the defects and improve the quality of the students' assessment upon entering the school.

Keywords: The Right to Education, Educational Evaluation, Learning Disorders, Children with Autism

Corresponding Author: Meysam Kalhornia Golkar; **Email:** kalhorniagolkar@gmail.com

Received: October 9, 2021; **Accepted:** November 17, 2021

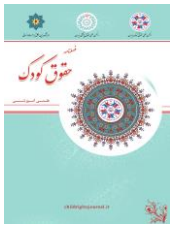
Please cite this article as:

Abbasi M, Kalhornia Golkar M, Shiravand Menjani L. Challenges Surrounding the Right to Education in the Educational Evaluation of Children with Learning Disorders and Autism (A Case Study in Karaj). Child Rights Journal. 2021; 3(11): 41-51.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره سوم، شماره یازدهم، پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۵۱-۴۱

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

انجمن علمی حقوق کودک ایران
انجمن علمی حقوق پزشکی ایران
اندیشکده بین المللی کرامت انسانی

چالش‌های حق بر آموزش در فرایند سنجش تحصیلی کودکان دارای اختلالات یادگیری و مبتلایان به اوتیسم (یک مطالعه موردی در شهر کرج)

محمود عباسی[۱]، میثم کلهرنیا گلکار[۱*]، لیلا شیراوند منجانی[۲]

۱. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد بویین زهرا، بویین زهرا، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سنجش آمادگی تحصیلی در بدو ورود به مدرسه برای تعیین وضعیت و تشخیص نیازهای آموزشی و انطباق دوره‌های آموزش در مدرسه عادی یا استثنایی با شرایط کودک صورت می‌گیرد. این برنامه برای رسیدن به اهداف خود در نظام آموزش نیازمند اجرای صحیح است. مطالعه حاضر با هدف بررسی مشکلات و چالش‌های موجود در فرایند سنجش تحصیلی کودکان دارای اختلالات یادگیری و مبتلایان به اوتیسم با ملاحظه الزامات حق بر آموزش به انجام رسید.

روش: این تحقیق با استفاده از بررسی‌های میدانی و ثبت شواهد ناشی از بررسی یک نمونه موردی در فرایند سنجش تحصیلی و همچنین بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی به انجام رسید.

یافته‌ها: عواملی نظیر اطلاع‌رسانی ناکافی، تراکم مراجعین، زمان کوتاه ارزیابی، طولانی‌شدن رسیدگی، جداسازی کودک از والدین، فقدان مشاوره و ارائه توضیح کافی، عدم حق اعتراض به نتیجه سنجش و بی‌توجهی در نتیجه ارزیابی به زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی در منطقه، چالش‌هایی را در فرایند سنجش تحصیلی خاصه برای کودکان دارای اختلالات یادگیری (به ویژه کودکان با اختلالات خفیف و عملکرد هوش مرزی که تشخیص وضعیت آن‌ها و دوره آموزشی مناسب، از حساسیت بیشتری برخوردار می‌باشد)، ایجاد نموده است که خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم کیفیت تحقق حق بر آموزش این کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری: مشکلات موجود در فرایند سنجش تحصیلی می‌تواند زمینه امکان تصمیم‌گیری‌های ناصحیح و غیرمنطبق با شرایط و امکانات موجود را برای کودکان دارای اختلالات یادگیری و مبتلایان به اوتیسم، در پی داشته باشد. با توجه به ابعاد و الزامات حق بر آموزش کودکان در اسناد داخلی و بین‌المللی و اهمیت دریافت آموزش باکیفیت و مؤثر و تأمین منافع کودک، رفع نقایص و بهبود وضعیت کیفی سنجش تحصیلی دانش‌آموزان در بدو ورود به مدرسه ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: حق بر آموزش، سنجش تحصیلی، اختلالات یادگیری، کودکان مبتلا به اوتیسم

نویسنده مسئول: میثم کلهرنیا گلکار ؛ **پست الکترونیک:** kalhorniagolkar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Abbasi M, Kalhornia Golkar M, Shiravand Menjani L. Challenges Surrounding the Right to Education in the Educational Evaluation of Children with Learning Disorders and Autism (A Case Study in Karaj). Child Rights Journal. 2021; 3(11): 41-51.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

مقدمه

حق بر آموزش به مثابه رکن اصلی بنای حقوق کودک در قلمرو اسناد مختلف بین‌المللی نظیر اعلامیه حقوق بشر، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک، ریشه دوانده است. در چارچوب حقوق داخلی نیز علاوه بر عضویت ایران در کنوانسیون‌های بین‌المللی، این حق بنیادین، مورد تأکید قانون اساسی در اصل سی‌ام است. همچنین، به طور ویژه حق بر آموزش برای کودکان دارای معلولیت ذهنی و اختلالات یادگیری، در اسنادی چون کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در مقیاس بین‌المللی و قانون حمایت از معلولان در مقیاس داخلی، انعکاس یافته است. کودکان اوتیسم به عنوان یکی از مصادیق برجسته کودکان دارای اختلالات یادگیری با آماری قابل توجه در جوامع کنونی، طیف‌هایی را شامل می‌شوند که در سطوح ارتباط، تعامل اجتماعی و رفتار، بسته به شدت بیماری، دچار نقصان عملکرد بوده و عموماً بیشینه‌ها و کمینه‌های رفتاری، روند یادگیری، و زیست متعادل اجتماعی را برای آنان با مشکلات جدی مواجه می‌نماید. این امر لزوم اهتمام ویژه و رویکرد افتراقی از جمله در حوزه آموزش این کودکان را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در کنوانسیون حقوق کودک ضرورت این نگاه ممتاز مورد تصریح واقع گردیده چه اینکه در بند ۲ از ماده ۲۳، مقرر داشته است: کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودکان معلول را برای برخورداری از مراقبت‌های ویژه به رسمیت می‌شناسند و ارائه این مراقبت‌ها را بر حسب شرایط والدین و یا مسئولین کودک و منوط به وجود منابع، به این‌گونه کودکان و کسانی که مسئول مراقبت از وی هستند، تشویق و تضمین خواهند کرد و متعاقب آن، در بند ۳، تصریح می‌شود: با امعان نظر به «تشخیص نیازهای ویژه کودک معلول، کمک‌های مقرر شده در بند ۲ این ماده در صورت امکان می‌بایست به طور رایگان و با در نظر گرفتن منابع مالی والدین و یا مسئولین کودک انجام گیرد و می‌بایست به نحوی برنامه‌ریزی شود که کودک معلول بتواند دسترسی مؤثر به آموزش، تعلیم و تربیت و خدمات مراقبتی بهداشتی، خدمات توانبخشی، آمادگی برای اشتغال و ایجاد فرصت به روشی که موجب دستیابی کودک به حداکثر کمال اجتماعی و پیشرفت شخصی از جمله پیشرفت فرهنگی و معنوی وی می‌شود، داشته باشد».

در نظام آموزش داخلی، با هدف تأمین نیازهای ویژه افراد دارای اختلالات یادگیری (و به طور کلی کودکانی که به لحاظ وضعیت هوش و آموزش‌پذیری شرایط خاصی را دارند) و در راستای تحقق سازوکار افتراقی تحصیل کودکان، تشخیص نیازهای آموزشی به عنوان نخستین و مهمترین گام با استفاده از ابزار سنجش تحصیلی صورت می‌گیرد. در این فرایند پس از آزمون‌های استاندارد و تشخیص وضعیت سطح آموزش‌پذیری کودک، هدایت وی به مدارس عادی یا مدارس استثنایی انجام می‌شود. با این حال مشاهده و بررسی چگونگی اجرای این برنامه در کشور، چالش‌ها و موانعی را به ویژه در قبال تأمین حق بر آموزش کودکان دارای اختلالات یادگیری از جمله کودکان اوتیسم که دارای طیف‌های خفیف و شدید هستند و تشخیص صحیح نیازهای آموزشی آنان از اهمیت بسزایی برخوردار است، نمایان می‌سازد. این مطالعه به صورت مشاهده‌ای و همچنین با بررسی دقیق و مستند یک نمونه، فرایند سنجش تحصیلی را در شهر کرج مطمح نظر قرار داده است.

هدف از این بررسی، ارزیابی کیفی اجرای برنامه سنجش تحصیلی در فرایند تشخیص وضعیت آموزش‌پذیری و تعیین نیازهای کودکان در بدو ورود به مدارس ابتدایی در کشور و تبیین نقش و تأثیرگذاری این ابزار خاصه با

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

نظرداشت نواقص و مشکلات پیاده‌سازی برنامه مزبور در تأمین حق بر آموزش کودکان دارای اختلالات یادگیری به ویژه کودکان اوتیسم، بود.

مطالعه حاضر با رویکرد آسیب‌شناسی عملیِ فرایند سنجش تحصیلی تخصصی در بدو ورود به مدرسه در رابطه با کودکان دارای اختلالات یادگیری از منظر حق بر آموزش، در کشور فاقد پیشینه و شواهد کافی است. در این رابطه برخی تحقیقات گذشته از حیث وضعیت مشارکت در سنجش تحصیلی و ابعاد و نتایج آن موضوع را مورد مداقه قرار داده‌اند. ضیاءالدینی و همکاران (۱۳۸۷)، در مطالعه خود به بررسی نتایج طرح کشوری سنجش آمادگی تحصیلی کودکان ایرانی در بدو ورود به دبستان در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ پرداخته‌اند. به نظر نویسندگان، سنجش آمادگی تحصیلی پیش از ورود کودکان به سیستم آموزشی رسمی که در بسیاری از کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است، توانایی کودک را برای سازگاری با الزامات نظام آموزشی کشور و مدرسه و نیز فراگیری محتوای برنامه‌های آموزشی مورد سنجش و توجه قرار می‌دهد. در این مطالعه، میانگین امتیاز کسب‌شده توسط کودکان ایرانی در آزمون سنجش آمادگی تحصیلی و ارتباط آن با برخی از عوامل مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان تأکید می‌کنند که شناسایی زودهنگام بیماری‌ها و سایر اختلالات در کودکان و برنامه‌ریزی برای برطرف ساختن آن‌ها از اولویت بالایی برخوردار است؛ چرا که با انجام این آزمون‌ها می‌توانیم به بهبود سلامت و سیر تحصیلی و موفقیت کودکان کمک نماییم (۱).

کمالی (۱۳۹۲) در مقاله مسائل سنجش و تشخیص دانش‌آموزان ورودی به مدرسه، بیان می‌دارد: نظام‌های آموزش‌وپرورش کشورها، معمولاً در بدو ورود کودکان به مدرسه، به سنجش روان‌شناختی آنان می‌پردازند تا برنامه‌های درسی خود را با وضعیت آنان هماهنگ سازند. در کشور ما نیز از سال ۱۳۷۵ طرحی با عنوان سنجش سلامت جسمانی و آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به مدرسه به اجرا درآمده که عمدتاً بر مشخصات فردی، مشخصات خانواده، و سنجش وضعیت سلامت جسمی دانش آموزان متمرکز است و آمادگی تحصیلی آنان را نیز بر اساس برخی رویکردهای روان‌سنجی، تا اندازه‌ای مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد. در این مقاله با بررسی رویکردهای جدید و پژوهش‌ها و آثار جدید سنجش روان‌شناختی، نشان داده شده است که کارکرد واقعی آموزش‌وپرورش ایران در سنجش ورودی دانش آموزان به مدارس ابتدایی در مقایسه با مبانی نظری و کارکردهای علمی پیشرفته جهانی در این حوزه از سنجش روانی - تربیتی و هدف‌های اصلی سنجش ورود به مدرسه، فاصله دارد و ضروری است که برخی طرح‌های پژوهشی توسعه‌ای و علمی و کاربردی برای ایجاد تحول در این موضوع حیاتی صورت گیرد (۲).

همچنین حسنی شلمانی (۱۳۹۶) ضمن اذعان به برخی مشکلات طرح سنجش آمادگی تحصیلی بدو ورود به مدرسه با بهره‌گیری از تئوری مدیریت آشوب در پی ارائه پیشنهادهایی برای برنامه سنجش کودکان است که علاوه بر افزایش کارایی و اثربخشی برنامه سنجش، به شغل معلم اول ابتدایی نیز مسئولیت تضامنی دهد. به نظر نویسنده برنامه سنجش از شرایط تصمیم‌گیری بسیار پیچیده‌ای برخوردار است که ناشی از ابهام در اهداف رفتاری برنامه سنجش، کسب دانش از طریق آزمون و خطای آزمونگران، برنامه زمانی متراکم و تصمیم‌گیری در شرایط فشرده و تفاوت‌های فردی تصمیم‌گیرندگان اعم از مدیران و آزمون‌گران و شرایط آزمون و غیره است (۳).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

روش

روش این مطالعه به صورت تلفیقی با رویکرد کتابخانه‌ای (اسنادی) و مشاهده‌ای و جستار موردی است. بدین منظور اسناد بین‌المللی و داخلی و نیز مقررات و رویه‌های اجرایی داخلی در رابطه با حق بر آموزش کودکان دارای اختلالات یادگیری و الزامات آن و نیز توصیف جایگاه و اهمیت طرح سنجش تحصیلی در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است. همچنین محقق با کسب اطلاعات و از طریق حضور میدانی و نیز طی روند سنجش تحصیلی در کنار یک نمونه مورد بررسی، در فاصله زمانی ابتدای تیر ماه تا ابتدای مهر ماه ۱۴۰۰، عملاً شرایط درک کیفیت اجرای طرح سنجش تحصیلی را در قلمرو مورد بحث، فراهم آورده است. اگرچه به واسطه محدودیت نمونه مورد بررسی تعمیم‌پذیری آن محل اشکال است لیکن به دلیل یکدستی فرایندهای عام و همچنین پیش‌بینی تکرارپذیری جنبه‌های خاص، روایی و اعتبار تحقیق قابل اعتنا خواهد بود.

یافته‌ها

مشاهدات و بررسی میدانی در رابطه با فرایند سنجش تحصیلی در مورد کودکان با اختلالات یادگیری و نمونه مبتلا به اوتیسم خفیف (با توجه به هدف طرح، بیشتر این کودکان به واسطه نتیجه عملکرد هوشی در رابطه با آموزش‌پذیری، به سنجش تخصصی ارجاع داده می‌شوند)، با تأکید بر همراهی با نمونه مورد بررسی و مشاهده مقطعی سایر مراجعین، چالش‌های ذیل را به طور محسوسی نمودار می‌کرد.

۱. اطلاع‌رسانی ناکافی: فرایند سنجش تحصیلی اساساً مشتمل بر برنامه‌ای برای سنجش سلامت جسمانی و آمادگی تحصیلی در بدو ورود به مدرسه است. این مهم در دو سطح عمومی و تخصصی صورت می‌گیرد. در صورتی که در مراجعه به پایگاه سنجش نیاز به ارجاع تخصصی از حیث سنجش دقیق بینایی، شنوایی، جسمی و حرکتی و هوش باشد، ارجاع به پایگاه‌های تخصصی صورت می‌پذیرد و سپس با توجه به نتیجه ارزیابی‌ها حسب مورد کودک برای شروع تحصیل به مدارس عادی یا مدارس استثنایی وارد می‌گردد. متأسفانه در زمان بررسی این فرایند (تیر ماه الی مهر ماه ۱۴۰۰) اطلاع‌رسانی کافی در خصوص این موضوع به خانواده‌های کودکان انجام نمی‌شد. این نقص در اطلاع‌رسانی هم در سطح عمومی (اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها و اینترنت یا تحویل برگه‌های راهنما) به شدت احساس شد و هم در زمان مراجعه به پایگاه سنجش و ارجاع به سنجش تخصصی از این حیث که مسئولین امر توضیحی بابت چرایی ارجاع و روال کار ارائه ندادند.

۲. لزوم ثبت‌نام اولیه در مدارس و ارجاع به پایگاه سنجش از طریق مدرسه: پس از ثبت‌نام اولیه نوآموز در مدرسه، از طریق دفتردار یا مسئول ثبت‌نام، نامه سنجش ارائه می‌شود که تاریخ مراجعه در آن ذکر شده است. در واقع در برنامه سنجش اولین گام دریافت نوبت از پایگاه سنجش از طریق دبستان محل ثبت‌نام است. این مسئله (لزوم ثبت‌نام اولیه در مدرسه و سپس ارجاع به پایگاه سنجش) می‌تواند برای دانش‌آموزان مشکلات بعدی ایجاد نماید. والدین پس از تحقیق بسیار مدرسه‌ای مناسب برای کودک خود در نظر می‌گیرند و امور ثبت‌نام را انجام می‌دهند. در این مرحله احتمالاً بین یک تا چندین جلسه دانش‌آموز در فضای آموزشی جدید وارد می‌شود و به نوعی شناخت و تعلق دانش‌آموز و والدین به مدرسه‌ای که در آن ثبت‌نام اولیه شده است را می‌تواند به همراه داشته باشد. علاوه بر این، هزینه و زمان قابل توجهی برای تمهید شرایط تحصیل کودک در مدرسه

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

منتخب از سوی والدین تقبل می‌شود (هزینه کتاب و هزینه‌های ثبت‌نام به خصوص در مدارس غیرانتفاعی). علاوه بر چالش‌های فوق مشکلاتی نیز پس از ارجاع دانش‌آموز برای ثبت‌نام در مدرسه استثنایی (که به واسطه عدم پراکندگی کافی این مدارس فاصله تقریباً طولانی با محل سکونت برخی دانش‌آموزان دارد)، از حیث انتقال مدارک دانش‌آموز از مدرسه اولیه به مدرسه جدید به واسطه ایرادات سیستمی و ... مشاهده گردید.

۳. اطاله رسیدگی: طولانی بودن فرایند سنجش از مهمترین مشکلات در این مسیر بود؛ چه اینکه برنامه‌ریزی والدین برای ثبت‌نام دانش‌آموز در مدرسه‌ای مناسب را با مشکل مواجه می‌نمود. در نمونه مورد بررسی برای حدود یک ماه بعد نوبت مراجعه به پایگاه سنجش عمومی داده شد که متعاقباً در مراجعه به پایگاه سنجش -که خود از مدارس دولتی عادی بود- و با تشخیص لزوم ارجاع به پایگاه تخصصی سنجش، برای حدود یک ماه و نیم بعد که عملاً به اواخر شهریور می‌رسید، نوبت داده شد. بنابراین مجموعاً ۲ ماه و نیم فرایند سنجش تحصیلی دانش‌آموز در بدو ورد به دبستان به طول انجامید که در کنار فقدان اطلاع‌رسانی و ارائه مشاوره به والدین، شرایط روحی نامطلوبی را برای آنان رقم می‌زد.

۴. تراکم مراجعین و زمان کوتاه ارزیابی: در هنگام مراجعه به پایگاه تخصصی سنجش آمادگی تحصیلی (که از مدارس استثنایی بود)، تراکم و شلوغی جمعیت تا حدی وجود داشت که یک ساعت و نیم پس از زمان ثبت شده در برگه نوبت سنجش، فرصت ارزیابی داده شد. این در حالی است که در میان کودکان ارجاع شده برای سنجش هوش، مبتلایان به اوتیسم حضور داشتند که انتظار برای آنان می‌تواند آزاردهنده باشد، ضمن اینکه در میزان همکاری و نتیجه نهایی ارزیابی مؤثر گردد. مهم‌تر اینکه تراکم مراجعین عملاً زمان کوتاه ارزیابی و نتیجتاً عدم دقت کافی در رسیدگی به وضعیت آمادگی نوآموز را در پی داشت. این مسئله به قدری اهمیت دارد که می‌تواند هدف اصلی از برنامه سنجش تحصیلی در زمینه آمادگی دانش‌آموزان را به چالش کشیده و مخدوش نماید. در این شرایط بیم اتخاذ تصمیمات غیردقیق و نامنطبق با شرایط دانش‌آموز نیز خواهد رفت.

۵. جدایی کودک از والدین و ایجاد زمینه اضطراب: در زمان سنجش کودکان در مرحله تخصصی با جداسازی طفل از والدین اقدام به طرح سؤالات و ارزیابی می‌شد در حالی که با پرسش از برخی روانشناسان، این اعتقاد وجود داشت که اضطراب جدایی عملاً می‌تواند بر کیفیت پاسخگویی تأثیرگذار باشد. این مسئله در خصوص کودکان اوتیسم با حساسیت بیشتری محل تأمل است. از طرفی به واسطه فقدان تجربه زیسته نهاد مدرسه در بسیاری از دانش‌آموزان (به خصوص دانش‌آموزانی که دوران پیش‌دبستان را طی نکرده‌اند) و مزید بر این مقارن بودن زمان سنجش با دوران پاندمی کووید ۱۹ و تعطیلی مراکز آموزشی و در نتیجه فقدان آمادگی لازم برای کودکان، این جداسازی و اضطراب کاملاً قابل تأمل به نظر می‌رسید و مورد انتقاد والدین بود.

۶. فقدان مشاوره و ارائه توضیح کافی به والدین: ارجاع به سنجش تخصصی و احتمال تصمیم‌گیری راجع به لزوم حضور دانش‌آموز در مدرسه استثنایی به ویژه برای والدینی که دارای کودکان مبتلا به اوتیسم (طیف‌های خفیف یا متوسط) و کودکان دارای عملکرد هوش مرزی، هستند شرایط پراسترس و ناگواری را ایجاد می‌کند. والدین به شدت در این مرحله نیازمند مشاوره و ارائه اطلاعات کافی از سوی مسئولین و کارشناسان سنجش هستند. این در حالی است که متأسفانه به واسطه تراکم کار و اختصاص نیروی ناکافی، حتی در زمان ارائه نتیجه سنجش و ارجاع دانش‌آموز به مدارس

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

استثنایی، نیازهای والدین و کودکان آن‌ها نادیده انگاشته شده و هیچ‌گونه برنامه مشاوره‌ای برای والدین نگران و مستأصل پیش‌بینی نشده است و در این مورد حتی بعضاً بدون توضیح و راهنمایی نتیجه سنجش ارائه می‌شود.

۷. فقدان حق اعتراض به نتیجه سنجش تخصصی: با توجه به چالش‌های سنجش در مرحله تخصصی به ویژه زمان کوتاه ارزیابی و تراکم مراجعین و کاسته شدن از دقت در تصمیم‌گیری بدیهی است باید سازوکاری برای اعتراض به نتیجه و ابرام یا رد و اصلاح آن در مرجعی بالاتر وجود داشته باشد. با این حال ضمن پیگیری و تماس با سازمان آموزش‌وپرورش استثنایی کرج گفته شد برای اعتراض به نتیجه می‌بایستی به همان مرکز مراجعه نمایید که پس از مراجعه به آن مرکز نیز حق اعتراض داده نشد و سنجش مجدد انجام نگردید.

۸. بی‌توجهی به امکانات و زیرساخت‌های آموزشی در فرایند سنجش تحصیلی: در سنجش تخصصی اگر نظر کارشناس ارجاع دانش‌آموز به مدرسه استثنایی به واسطه اختلالات یادگیری و وضعیت هوش تحصیلی (سطح آموزش‌پذیری) باشد این ارجاع طبیعتاً با توجه به نیاز دانش‌آموز به دریافت خدمات ویژه آموزشی صورت می‌گیرد لیکن تا حدی بدون توجه به وجود چنین امکاناتی در مختصات جغرافیایی است. در شهر کرج و فردیس مدارس استثنایی و امکانات آموزشی نه‌تنها دچار کمبود است بلکه اساساً مدارس تخصصی مناسب با وضعیت دانش آموزان اوتیسم یافت نمی‌شود. بررسی میدانی و پرسش از مربیان و جستجو در اینترنت نشان داد که در محدود زندگی دانش آموزان در کرج و فردیس حتی یک مدرسه تخصصی اوتیسم وجود ندارد. به هر تقدیر گاهی ارجاع یک دانش‌آموز به مدارس ویژه برای دریافت امکانات متناسب با شرایط او و پیشرفت تحصیلی انجام می‌شود اما اگر چنین تصمیماتی بدون توجه به وجود امکانات کافی در محل زیست دانش‌آموز اتخاذ گردد چه بسا می‌تواند محرومیت از حق بر آموزش را به دنبال داشته باشد.

در مجموع چالش‌های فوق که در فرایند سنجش تحصیلی کودکان در ابتدای ورود به دبستان مشاهده گردید، به صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند حق بر آموزش کودکان دارای اختلالات یادگیری و کودکان اوتیسم را در معرض نقض و تهدید قرار دهند و آن‌ها را از شرایط و امکانات متناسب و عادلانه برای تحصیل (چه در مدارس عادی و چه در مدارس تخصصی حسب مورد با توجه به شرایط و وضعیت یادگیری و آموزش‌پذیری کودک) دور نگاه دارند.

این در حالی است که در نظام حقوقی ایران بر اساس اصول ۳، ۳۰ و ۴۳ قانون اساسی، به بحث آموزش و پرورش و حق بر آموزش توجه و تأکید ویژه گردیده و آموزش و پرورش در زمره نیازهای اساسی قرار داده شده است.

در کنوانسیون حقوق کودک بهره‌مندی از آموزش، حق همه کودکان دانسته شده است؛ در واقع، کنوانسیون، ارزش زیادی برای آموزش و پرورش قائل شده است (۴). در ماده ۲۸ کنوانسیون، برخورداری از آموزش بر پایه ایجاد فرصت برابر و مداوم برای همه کودکان به رسمیت شناخته شده و انجام اقداماتی چون همگانی کردن، در دسترس قراردادن، گسترش انواع مختلف آموزش، آموزش رایگان، دسترسی به آموزش عالی و غیره به دولت‌ها سپرده شده است (۵). ماده ۲۹ کنوانسیون نیز به ارکان آموزش و پرورش پرداخته است و از جمله به پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی کودکان، تصریح دارد. باید به این امر اشاره داشت که شرایط خاص برخی کودکان دارای اختلالات یادگیری معناسنجی و ابزار متفاوتی برای پرورش استعدادها و

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

پیشرفت مهارت‌ها و توانایی‌ها را اقتضا می‌نماید (۶) که شاید نقطه آغاز این مهم اجرای صحیح فرایند سنجش آمادگی تحصیلی و تشخیص درست بر مبنای آن قرار دارد.

بر اساس ماده ۲۳ کنوانسیون، کودکی که از لحاظ ذهنی یا جسمی دچار نقص باشد باید در شرایطی که متضمن منزلت و افزایش اتکاء به نفس است و شرکت فعال کودک در جامعه را تسهیل نماید، رشد یافته و از یک زندگی آبرومند و کامل برخوردار گردد. بر این اساس، کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودکان معلول را برای برخورداری از مراقبت‌های ویژه به رسمیت می‌شناسد و ارائه این مراقبت‌ها را بر حسب شرایط والدین و یا مسئولین کودک و منوط به وجود منابع، به این‌گونه کودکان و کسانی که مسئول مراقبت از وی هستند، تشویق و تضمین خواهند کرد. همچنین، با تشخیص نیازهای ویژه کودک معلول، بر این امر تأکید می‌شود که کمک‌های مقرر، در صورت امکان می‌بایست به طور رایگان و با در نظر گرفتن منابع مالی والدین و یا مسئولین کودک انجام گیرد و می‌بایست به نحوی برنامه‌ریزی شود که کودک معلول بتواند دسترسی مؤثر به آموزش، تعلیم و تربیت و خدمات مراقبتی بهداشتی، خدمات توانبخشی، آمادگی برای اشتغال و ایجاد فرصت به روشی که موجب دستیابی کودک به حداکثر کمال اجتماعی و پیشرفت شخصی از جمله پیشرفت فرهنگی و معنوی وی می‌شود، داشته باشد (۷).

تأکید نسبت به حق بر آموزش برای کودکان دارای نیازهای ویژه را می‌توان از ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت نیز به خوبی برداشت کرد. بر اساس بند اول این ماده، دولت‌های عضو، حق آموزش را برای افراد دارای معلولیت به رسمیت می‌شناسند. دولت‌های عضو از نظر تحقق این حق، بدون تبعیض و بر مبنای فرصت برابر، نظام آموزشی فراگیری را در تمامی سطوح و به صورت آموزش مادام‌العمر برای رسیدن به موارد زیر تضمین خواهند نمود:

الف) توسعه کامل توانایی‌های انسانی و حس منزلت و خود ارزشی و تحکیم احترام به حقوق بشر، آزادی‌های بنیادین و تنوع انسانی؛

ب) توسعه شخصیت، استعداد و خلاقیت توأم با توانایی‌های جسمی و ذهنی افراد دارای معلولیت تا نهایت توانمندی‌های آن‌ها؛

پ) توانمندساختن افراد دارای معلولیت جهت مشارکت مؤثر آنان در جامعه آزاد.

در بند دوم به این مسئله تصریح شده است که در تحقق حق مزبور، دولت‌های عضو تضمین خواهند نمود که:

الف) افراد دارای معلولیت از نظام آموزش همگانی بر مبنای معلولیت مستثنی نمی‌گردند، و این که کودکان دارای معلولیت نیز از آموزش اجباری و رایگان ابتدایی یا متوسطه بر مبنای معلولیت مستثنی نمی‌گردند؛

ب) افراد دارای معلولیت می‌توانند به آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان با کیفیت و فراگیر بر مبنایی برابر با سایرین در جوامعی که در آن زندگی می‌نمایند، دسترسی داشته باشند؛

پ) همسان‌سازی متعارف در رابطه با نیازهای فردی ارائه می‌گردد؛

ت) افراد دارای معلولیت حمایت لازم در حوزه نظام آموزش همگانی را به منظور تسهیل در آموزش مؤثر آن‌ها دریافت می‌نمایند؛ ... (۸).

قانونگذار داخلی نیز با وضع قانون حمایت از حقوق معلولین و پیوستن به کنوانسیون بین‌المللی حقوق معلولین و همچنین عضویت در کنوانسیون حقوق کودک، سعی داشته است تا حقوق تعریف‌شده برای کودکان استثنایی را به نوعی جامه عمل بپوشاند (۹).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

همچنین طبق کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش پاریس، ۱۹۶۰، باید آموزش ابتدایی رایگان و اجباری، دسترسی و دستیابی همگان به همه اشکال آموزش متوسطه و معیارهای آموزشی در همه مؤسسات آموزشی عمومی هم‌سطح، برابر و شرایط مربوط به کیفیت آموزش نیز در آن‌ها یکسان باشد (۱۰).

در مجموع با ملاحظه قوانین و اسناد مختلف داخلی و بین‌المللی، حق بر آموزش به عنوان یک اصل حقوق بشری، در حوزه کودکان شامل حقوقی از جمله؛ حق دسترسی به امکانات آموزشی، حق برخورداری از آموزش با کیفیت و استاندارد، احترام به شأن و منزلت انسانی کودک، آموزش بدون تبعیض در تمام مراحل دوران کودکی، در دسترس بودن امکانات آموزشی و برابری فرصت‌ها در آموزش می‌باشد (۱۲).

بدیهی است چالش‌هایی که در فرایند سنجش تحصیلی و تعیین سطح کودک به لحاظ وضعیت فراگیری آموزش وجود دارد، از حیث ایجاد زمینه امکان تصمیم‌گیری‌های ناصحیح و غیر منطبق با شرایط و امکانات و همچنین حفظ احترام و کرامت و اعتماد به نفس کودک خاصه کودکان دارای اختلالات یادگیری و مبتلا به اوتیسم، می‌تواند نقض حق بر آموزش را در پی داشته باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

حق بر آموزش در رابطه با کودکان دارای اختلالات یادگیری و اوتیسم، مستلزم پایش مستمر و مؤثر تشخیصی و هدایت کودکان با وضعیت آموزش‌پذیری خاص به مدارس اختصاصی این کودکان ضمن پیش‌بینی برنامه‌های آموزشی ویژه است. همچنین ممکن است با توجه به شرایط کودک و امکانات موجود، تحصیل این کودکان در مدارس عادی ضمن آموزش‌ها و ملاحظات موازی، از تأثیر بیشتری برخوردار باشد. بر اساس رویه جاری، سنجش تحصیلی کودکان در بدو ورود به مدارس ابتدایی در کشور انجام می‌پذیرد؛ با این حال یافته‌ها نشان می‌دهد این رویه به رغم اهمیت و ملاحظات مثبت، از جهات عدیده‌ای دچار موانع، ابهامات و مشکلاتی است که حسب مورد می‌تواند بر اهداف طرح و کیفیت حق بر آموزش کودکان تأثیرگذار باشد. عدم اطلاع‌رسانی شفاف و مشخص پیرامون فرایند سنجش تحصیلی، نامنظمی و ناکارآمدی نظام ارجاع دهی از طریق مدارس به پایگاه‌های سنجش با توجه به ثبت‌نام اولیه کودک و هزینه‌های مالی و معنوی برای والدین و نیز آشنایی و تعلق خاطر کودک نسبت به محیط تحصیل، اطاله رسیدگی و نوبت‌های با تأخیر در دو مرحله رسیدگی عمومی و اختصاصی، ارائه اطلاعات ناکافی از سوی مسئولین و مجریان، تراکم و شلوغی و معطل‌شدن حین مراجعه به مرکز سنجش تخصصی (خاصه اینکه انتظار برای کودکان اوتیسم می‌تواند آزاردهنده باشد)، جداسازی طفل از والدین به منظور آزمون سنجش و امکان بروز اضطراب جدایی و افزایش سطح استرس و تأثیر بر کیفیت پاسخگویی و مآلا نتیجه بررسی (به ویژه با در نظر گرفتن سن کودک و تجربه ناکافی قرار گرفتن در محیط آموزش رسمی که با ملاحظه سبقه شرایط ناشی از کرونا تشدید می‌شود)، نادیده انگاشتن حق اعتراض نسبت به نتیجه ارزیابی و فرصت بررسی مجدد، صحبت ناکافی کارشناسان سنجش با والدین به منظور درک بیشتر شرایط و وضعیت خاص کودکان، لحاظ نشدن شرایط و امکانات موجود شهر در فرایند سنجش از جمله نبود مدارس تخصصی اوتیسم در محدوده مورد مطالعه و همچنین کمبود مدارس ابتدایی استثنایی و فاصله آن با محل سکونت کودک و ...، از موارد حائز اهمیتی است که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفت.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

سنجش آمادگی تحصیلی برای کودکان با اختلالات یادگیری که طیف‌های مختلفی را شامل می‌شود و می‌توان از کودکان اوتیسم به مثابه یک طیف شاخص نام برد، اهمیت بسزایی در هدایت صحیح دانش‌آموز و ایجاد زمینه پیشرفت و موفقیت تحصیلی وی دارد و باید با ملاحظه تمامی جنبه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری صورت گیرد. چه بسا مبتلایان به درجات خفیف اوتیسم و کودکان با اختلال عملکرد مرزی که شرایط دریافت آموزش‌های مدارس عادی را دارا هستند بتوانند با تشخیص صحیح به این مدارس رهنمون شوند. به هر تقدیر برای برخورداری از کارآمدی در فرایند سنجش تحصیلی چالش‌هایی که در این مطالعه مطمح نظر قرار گرفت می‌بایستی مورد توجه و اصلاح قرار گیرند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی، شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

References

1. Ziyaodini SH, Amirkhani MA, Kamsari F, Ardalan G, Rozbahani R, Poursafa P, Kalishadi R. Examining the results of the national plan to measure the academic readiness of Iranian children upon entering primary school in the academic year 2007-2008. Journal of Isfahan Medical School. 2008; 26(91): 362-370. [Persian]

2. Kamali S. Problems of assessment and diagnosis of students entering the school. Exceptional education.;1(114):23-29. [Persian]

3. Hassani Shalmani MH. The need to use chaos management in the program to assess the academic readiness of children upon entering primary school. Education and training scientific-research quarterly. 2017; 33(3): 55-76. [Persian]

4. Reynaert D, Bouverne-de-Bie M, Vandevelde S. A review of children's rights literature since the adoption of the United Nations Convention on the Rights of the Child. Childhood 2009; 16(4):518-34.

5. UNICEF. Rights under the Convention on the Rights of the Child. 2011. Available at: http://www.unicef.org/crc/index_30177.html

6. Abbasi M, Poursina Z, Kalhornia Golkar M. Child Rights and Autism Spectrum (Fields and Plans). Child Rights J 2020; 2(6): 89-108.

7. UN. Convention on the Rights of the Child. 1989. Available at: https://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CRC.aspx

8. Pournajaf M. Convention on the Rights of Persons with Disabilities. Tehran: Human Rights Office of the Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran; 2007. [Persian]

9. Barabadi T. The rights of children with disabilities in domestic and international law (protection rights of children with disabilities in domestic and international law). The first national conference on the globalization of children and adolescents from a legal and psychological perspective, Mashhad; 2018. [Persian]

10. UNESCO, 1960, Convention against Discrimination in Education, UNESCO, Paris, UNESCO.

11. Hojaji Najaf Abadi M, Papa M. Children's Rights to Education in International Human Rights Documents. Child Rights J. 2019; 1 (3) :213-237. [Persian]

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-02]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.